

نوشته‌ی: پل سوئیزی (۱)

برگردان: ف. م. هاشمی

گناه سرمایه‌داری

کتاب «خورشید از آن کیست؟» نوشته‌ی «دانیل برمن» و «جان اوکانر» ادعای نام‌های ویرانگر علیه سرمایه‌داری است. سرمایه‌داری طی دو سده نضج و تکامل خویش، مصرف‌کننده‌ی عمده‌ی انرژی بوده است که بخش عمده‌ی آن را سوخت‌های فسیلی (زغال، نفت، گاز طبیعی) تشکیل می‌داده و در برخی از نقاط دنیا نیز انرژی اتمی را شامل می‌شده است. هر دو شکل انرژی، بسیار خطرناک بوده و برای محیط‌زیست و حیات بشر، تهدید کننده است. همه‌ی انواع گازهای گلخانه‌ای که موجب تغییر آب و هوای کره‌ی زمین می‌شوند، حاصل استفاده از سوخت‌های فسیلی‌اند که اگر با آهنگ کنونی ادامه پیدا کند، بروزی که سلسله واکنش‌های زنجیره‌ای مرگبار را برای کره زمین موجب خواهد شد که نه در آینده‌ی دور که در سده‌ی حاضر به لحاظ تاریخی این مدت، زمان بسیار کوتاهی محسوب می‌شود به وقوع خواهد پیوست. شکاف هسته‌ی اتم، میراثی از زیاده‌های رادیو اکتیو بر جای می‌گذارد که شاید عوارض آن هرگز از کره‌ی زمین پاک نشود. اگر قرار است بشر (از دیگر موجودات زنده سخن نمی‌گوییم) بر روی کره‌ی زمین آینده‌ای داشته باشد، هیچ چاره‌ای جز دست شستن از این منابع خطرناک انرژی ندارد. اهمیت امر به حدی است که به نظر نگارنده بشریت باید هر چه زودتر به نوعی «شعور مشترک زیست‌محیطی» دست پیدا کند.

اما در کنار این موارد ناامیدکننده، جای امیدواری نیز وجود دارد. یکی از این موارد دلگرم‌کننده، وجود یک منبع لایتناهی انرژی است که می‌تواند جایگزین سوخت‌های فسیلی و اتمی شود: انرژی خورشیدی استفاده از این انرژی، با توجه به سطح کنونی دانش و فن بشر، دیگر از جنبه‌های نظری خارج شده و جامه‌ی تحقق به خود پوشیده است. کتاب «برمن» و «اوکانر» سرشار از شواهد و مدارک گویا درباره‌ی به کارگیری عملی انرژی خورشید است.

اکنون پرسش این جاست که چرا بشریت امروز در حرکت از این انرژی‌های مرگبار به سوی اشکال

سالم تر انرژی، تعلل می‌ورزد؟

پاسخ کوتاه برای این پرسش را باید در وجود و ماهیت نظام سرمایه‌داری جست‌وجو کرد. در جامعه‌ی سرمایه‌داری، قدرت در دست سرمایه‌داران و وابستگان آنهاست و نمی‌توان آنها را بی‌اطلاع از وضعیت انرژی و خطرات آن برای آینده‌ی بشر تصور کرد. با وجود این، ایقان هرگز قدرت خویش را در راه یک اقدام علاج‌بخش به کار نگرفته‌اند و وقتی سرمایه‌داران یا بحران‌های انرژی دهه‌ی ۱۹۷۰ و عکس‌العمل گسترده‌ی مردمی روبه‌رو شدند، تمامی تلاش خویش را برای انحراف افکار عمومی به کار گرفتند و تنها به تکرار وعده‌های فراموش شده‌ی گذشته اکتفا کردند که آن هم پس از آرام شدن اوضاع، دوباره به دست فراموشی سپرده شد. در این جا نیز، کتاب «خورشید از آن کیست؟» شواهد و مدارک فراوانی ارائه می‌کند. آنچه که در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، از آن به عنوان جنبش مردمی قدرتمند در حمایت از آیین جدید انرژی یاد می‌شد، اکنون دیگر رنگ باخته و به فراموشی سپرده شده است.

سرمایه، این پیروزی را به آسانی به دست آورد. اما، مساله هنوز به پایان نرسیده است. به موازات وخیم‌تر شدن آلودگی محیط‌زیست، نیاز به یک انقلاب در زمینه‌ی انرژی بیش از پیش احساس می‌شود. «برمن» و «اوکانر» در کتاب «خورشید از آن کیست» توانسته‌اند کمک بزرگی به درک مساله، پیامدهای آن، و درس‌هایی که می‌توان از تجربه‌ی غنی چند دهه‌ی گذشته آموخت، بنمایند. انقلاب انرژی هم ممکن است و هم لازم اما این انقلاب، بخشی از یک انقلاب بزرگ‌تر است که خلع قدرت از سرمایه و واگذاری آن به توده‌های مردم را هدف خود قرار داده است.

سرچشمه: Monthly Review